

## آسیب‌شناسی پدیده اسکان در رکود بافت جل اسب عشایر قشقایی

شهدخت رحیم‌پور\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۸

صناعات  
هنرهای ایران

دوفصلنامه علمی هنرهای صناعی ایران

سال چهارم، شماره ۲، پیاپی ۷

پاییز و زمستان ۱۴۰۰

۵۱

### چکیده

«جل» بافته‌ای پوششی و زینتی در جوامع ایلی و عشایری برای اسب است. این دست‌بافته به دلیل اهمیت نقش اسب به‌عنوان راهوار و همراهی این حیوان، همیشه با کیفیت مطلوب در بین ایلات و عشایر تولید شده است. این مسئله که به‌تبع پدیده اسکان عشایر تولید جل اسب کاهش و با رکود بافت مواجه گردید، سبب از دست رفتن یکی از شواهد هویت بومی فرهنگی جامعه عشایری و به فراموشی رفتن دامنه دانش دست‌بافته‌های عشایری است. این پژوهش با هدف آسیب‌شناسی پدیده اسکان در رکود بافت جل اسب‌های عشایر قشقایی انجام شد. حفظ میراث دانش این دست‌بافته در تجلی هویت زندگی ایلی عشایری اهمیت دارد. اینکه عوامل محیطی حاصل از اسکان بر رکود تولید جل اسب چه بوده و مهم‌ترین عامل کاهش و رکود بافت جل اسب چیست، پرسش‌های مطرح‌شده این پژوهش است. گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و میدانی و روش تحقیق توصیفی تحلیلی است. در گام نخست با استفاده از گفت‌وگو و مصاحبه آزاد و نظرسنجی از کارشناسان فن عوامل مربوط شناسایی شد. در گام دوم، مؤلفه‌های به‌دست‌آمده در قالب پرسشنامه تدوین گردید و سپس با توزیع پرسشنامه و به دست آوردن داده‌های اولیه در راستای اهداف پژوهش و پاسخ به پرسش‌های مطرح‌شده تحلیل و بررسی انجام شد. جامعه آماری ۱۲۹ نفر از تولیدکنندگان فرش و بافندگان عشایر قشقایی در استان فارس است. نتایج نشان می‌دهد کاهش بافت جل با کاهش کاربرد آن رابطه مستقیم دارد و از سیزده عامل شناسایی‌شده در نقش مهم‌ترین عامل کاهش و رکود بافت، عامل تکنولوژی است که با جایگزینی وسایل نقلیه به‌جای اسب است.

### کلیدواژه‌ها:

آسیب‌شناسی، اسکان، رکود، بافت جل اسب، عشایر قشقایی.

\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، مربی گروه فرش، دانشکده هنر، دانشگاه اراک، اراک، ایران / S-rahimpour@araku.ac.ir

## ۱. بیان مسئله و مقدمه

کوچ مهم‌ترین عامل بقای زندگی عشایری و اسب مهم‌ترین راهوار ایل است. با توجه به اهمیت نقش اسب در پدیده کوچ و نوع زندگی عشایری، بافت پوشش این حیوان در قالب جل به‌زیبایی مدنظر بوده است. جل اسب «علاوه بر گرم نگه داشتن بدن حیوان و عرق‌گیر بودن، جنبه تزئینی و تشریفاتی نیز دارد» (سیدصدر ۱۳۸۶، ۱۰۸). ایل قشقایی از بزرگ‌ترین ایل‌های کوچ‌رو در جنوب ایران بوده و بافندگی در این ایل، حرفه‌ای زنانه است. «بافندگان قشقایی بیشترین کوشش و برترین مهارت خود را صرف بافت جل اسب می‌کنند که مرد عشایری سخت به آن دلبسته است و آن را نشانه احترام و حیثیت خانواده خود می‌داند» (گلاک ۱۹۷۷، ۲۹۵). پرهام «شکوفایی هنر جل‌بافی قشقایی را یادآور رونق هنر و صنعت لگام و دهنه‌سازی برنز و مفرغ تمدن لرها می‌داند که پایاپای هنر جانورشناسی عصر برنز لرستان (هزاره دوم پیش از میلاد) عالی‌ترین جلوه هنری زمانه شد» (پرهام ۱۳۷۱، ۹۷ و ۹۸). «بافتن جل اسب در میان اعضای ثروتمند ایل قشقایی دست‌کم تا دهه ۱۳۳۰ شمسی ادامه داشته است» (گریوانی و آشوری ۱۳۸۶، ۱۳۴). جل اسب محصول دوره سنتی جامعه قشقایی است که ذهنی و با رنگ‌های شاد، بخشی از هویت بومی را خلق کرده‌اند. این مسئله در وضعیت موجود، با تغییر ساختار زندگی عشایری به یکجانشینی و حذف کوچ و استفاده از خودرو به‌جای اسب، تولید این دست‌بافته را با سیر نزولی و رکود بافت مواجه کرده است. از آنجا که دانش دست‌بافته‌ها به‌صورت شفاهی از مادران به دختران منتقل می‌شد، بسیاری از روش‌های بافت فراموش شده است و این دست‌بافته به‌ندرت به درخواست افرادی خاص تولید می‌شود. امروزه زین و براق چرمی با تزئین منگوله‌هایی به‌عنوان سینه‌بند برای پوشش اسب استفاده می‌شود. پیامد این تغییر فراموشی هویت بومی دست‌بافته‌ها به‌عنوان هنر مادی ایل است. از این‌رو در بررسی وضعیت موجود و درک عمیق روش مناسب حفظ هنر و دانش این دست‌بافته، به آسیب‌شناسی اسکان بر رکود بافت جل اسب توجه شده است. آسیب‌شناسی، شناسایی آن دسته از عوامل مهم و مؤثری است که به وجود آمدن یا تداوم حیات آن‌ها می‌تواند فرایند تحقق هر نظام و سیستمی را متوقف یا به‌صورت محسوس کند نماید (بنیانیان ۱۳۸۹، ۹۹).

این واقعیت که جامعه عشایری متناسب با تغییر اسکان با بخشی از مشکلات فرهنگی روبه‌رو بوده‌اند، امری گریزناپذیر است. اسکان قبل از اینکه ریشه در تفکری سیاسی داشته باشد، تغییری فرهنگی و ساختاری است. «تغییر فرهنگی فرایندی است که طی آن اجزای مختلف یک فرهنگ با گذشت زمان دگرگونی پیدا می‌کند. هرگونه دگرگونی در اجزا و کلیت فرهنگ، در سازمان‌های اجتماعی تحولاتی را پدید می‌آورد و اگر شتاب این دگرگونی‌ها فزونی یابد، می‌تواند آسیب‌هایی را در پی داشته باشد» (ستوده ۱۳۷۶، ۵۰). گسست در روند تولید، و رکود بافت جل اسب در انتقال دانش سبب فراموشی سنت بافتن این دست‌بافته از ضرورت پرداختن به این موضوع بوده است. عوامل گوناگونی به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در تولید کلان تا سیر نزولی این دست‌بافته وجود داشته است. این پژوهش با هدف اصلی آسیب‌شناسی پدیده اسکان در رکود بافت جل اسب عشایر قشقایی انجام شد. فرضیه‌های پژوهش در شناسایی عوامل محیطی متأثر از اسکان در رکود بافت جل اسب به شرح زیر است:

- عوامل اجتماعی فرهنگی پدیده اسکان سبب رکود بافت جل اسب قشقایی است.
- عوامل اقتصادی پدیده اسکان سبب رکود بافت جل اسب قشقایی است.
- عوامل سیاسی پدیده اسکان سبب رکود بافت جل اسب قشقایی است.
- عوامل تکنولوژیکی پدیده اسکان سبب رکود بافت جل اسب قشقایی است.

## ۱-۱. پیشینه پژوهش

تناولی (۱۳۷۷) در کتاب جل‌های عشایری و روستایی ایران به معرفی طناب‌ها، جل‌ها و روکپلی‌های اسب در ایلات و عشایر متعدد ایران پرداخته است و به جل اسب‌های قشقایی نیز اشاره دارد. پرهام (۱۳۷۱) در جلد دوم کتاب دست‌بافته‌های عشایری و روستایی فارس به‌طور مختصر به معرفی زیباشناسی جل اسب از منظر طرح و نقش و رنگ و ساختار آن‌ها در عشایر قشقایی پرداخته است. پژوهش گریوانی و آشوری (۱۳۸۶) درباره سیر نظام تولید فرش‌بافی فارس، شیوه خودکفایی تا کارفرمایی تولید را متأثر از تغییرات محیط اجتماعی، اقتصادی و فردی هنرمندان می‌داند و عامل اسکان عشایر، اصلاحات ارضی و آموزش عشایری را در این تغییر نظام تولید، مهم‌ترین عامل برمی‌شمارد.

سمسار (۱۳۴۳) در مقاله «اهمیت اسب و تزئینات آن در ایران باستان» به گردآوری نمونه‌های مختلف اسب و انواع تزئینات اسب در ایران باستان توجه دارد. این پژوهش به‌طور مشخص به ایل قشقایی در فارس توجه دارد. پژوهشی که به‌طور مشخص در ارتباط با دلایل رکود یا کاهش بافت انواع جل اسب باشد یافت نشد. این پژوهش به بررسی دلایل رکود بافت این دست‌بافته سنتی در ایل قشقایی پرداخته است. اهمیت اسب تا معرفی جل‌های قشقایی و بررسی کلی عوامل برگرفته از پدیده اسکان بر رکود بافت این دست‌بافته سنتی مورد مطالعه قرار گرفته است.

## ۲-۱. روش تحقیق

این تحقیق میدانی از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی تحلیلی است. جامعه آماری شامل تولیدکنندگان دست‌بافته‌های عشایری، و بافندگان عشایری اسکان‌یافته و کوچ‌رو مناطق بيشابور، فیروزآباد و فرشبند و خان زنیان در استان فارس بوده که تجربه بافت جل اسب را دارند. به‌تفکیک شامل ۱۴ تولیدکننده دست‌بافته عشایری فارس، ۳۹ بافنده بيشابور، ۲۷ بافنده خان زنیان، ۲۷ بافنده فیروزآباد و ۲۲ بافنده از فرشبند، و در مجموع ۱۲۹ نفر است. در گام نخست بر اساس شناسایی مؤلفه‌های متأثر از اسکان با تعداد ۳۰ نفر از جامعه آماری با مصاحبه عمیق استفاده گردید. عوامل شناسایی شده توسط متخصصان فرش تأیید و پرسشنامه آماده شد. با توزیع پرسشنامه در بین ۱۲۹ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی و بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (جنسیت، وضعیت تأهل، سن و تحصیلات) و به دست آوردن فراوانی و فراوانی تجمی داده‌های اولیه مؤلفه‌های عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و تکنولوژیکی حاصل از اسکان بر رکود بافت جل اسب در راستای فرضیه‌های پژوهش بررسی شدند. به‌طور کلی، استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای در پیشینه و مبانی نظری پژوهش و مطالعات میدانی (با عکس‌برداری از نمونه جل اسب‌های موجود، گفت‌وگو با دست‌اندرکاران فرش و توزیع پرسشنامه به‌همراه جمع‌آوری داده‌ها) در دستیابی به هدف این پژوهش مؤثر بوده است.

## ۲. مبانی نظری

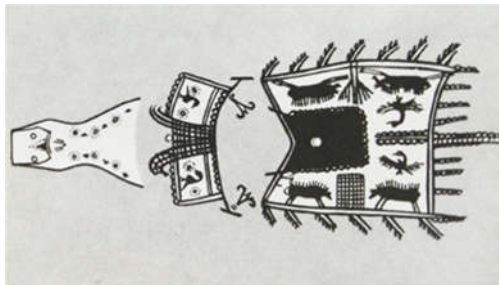
### ۱-۲. اهمیت اسب در فرهنگ ایرانی

اختراع ارابه‌های چهارچرخ و پرورش اسب منسوب به ایرانی‌ها و کاسی‌هاست و صنعت بافندگی از ابداعات مردم زاگرس، یعنی ساکنان غرب ایران بوده است (آیت‌اللهی ۱۳۸۰، ۶). در اساطیر ایرانی، اسب حیوانی مقدس است که در قالب توتم، جانوری ستودنی بوده است. هم‌نامی اسب با نام شخصیت‌های اساطیری، شاهان و پهلوانان ایرانی مانند گرشاسب (دارنده اسب لاغر)، ارجاسب (دارنده اسب ارجمند یا دارای اسب پیراج و بها)، لهراسب (دارنده اسب تندرو)، ویشتاسب یا گشتاسب (دارای اسب از کار افتاده)، جاماسب یا طهماسب (دارنده اسب خوب)، گشتاسب (دارای اسب نر و دلیر) و بیوراسب از نام‌های اژدی‌دهاک (دارای ده هزار اسب) از اهمیت این حیوان در فرهنگ ایرانی اشاره دارد (پورداوود ۱۳۵۵، ۲۲۷-۲۷۹؛ قائمی و یاحقی ۱۳۸۸، ۱۱۹؛ کریستین سن ۱۳۵۵، ۳۲). بازتاب بخشی از اهمیت اسب در میان مردم ایران باستان و پیوستگی این حیوان با شکار و سنت ایرانی اسب‌سواری، در آثار هنری قابل مشاهده است. «آثار برجای‌مانده تاریخی، شامل نقش برجسته‌های صخره‌ای، نقوش مهرها، بیکرک‌ها و منسوجات مملو از تصویر اسب است که همگی حاکی از کاربرد این حیوان در زندگی روزمره این مردم است» (طالب‌پور و پرهام ۱۳۸۸، ۵). در شاهنامه فردوسی «پیوستگی وجودی اسب و قهرمان تا آنجاست که رستم و رخش را در یک گور می‌نهند که این می‌تواند نمادی از وحدت جسم قهرمان و اسبش باشد، رسمی که آن را متعلق به جنگاوران سکایی دانسته‌اند» (جایز ۱۳۷۰، ۱۶). «در حفاری‌های باستان‌شناسی در مناطقی از قبیل تپه سیلک در کاشان، چغازنبیل در شوش و حسنلو در آذربایجان، آثاری مرتبط با اسب به دست آمده است» (تناولی ۱۳۷۷، ۱۱).

### ۲-۲. پوشش اسب در متون و آثار تاریخی

نیاز به پوششی برای محافظت بدن اسب و علاقه‌مندی انسان به آراستن و زیبایی این حیوان سبب دقت در ظرافت تولید این بافته بوده است. در تاریخ طبری آمده است طهمورث «اول کس بود که از اسب و استر و خر، آرایش پادشاهی کرد» (طبری ۱۳۸۹، ج. ۱: ۷۵) و جمشید «بفرمود تا لباس ببافند و رنگ کنند و زین و پالان بسازند و به‌کمک آن چارپایان را به اطاعت آورند» (همان، ۷۶). در دو مجسمه

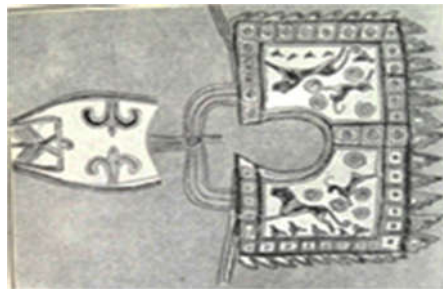
سفالین اسب که یکی در شوش و دیگری در ماکو به دست آمده است، قطعه فرشی به جای زین وجود دارد (حشمتی رضوی ۱۳۸۷، ۱۰۷ و ۱۰۸). در اسب سفالین شوش (تصویر ۱) بر تصویر جل منقش بر ریتون (تصویر ۲) یک طرف آن دو گراز در طرفین یک مربع و طرف دیگر تصویر گراز در حال تاخت و تاز را نشان داده و درخت زندگی بین دو گراز مجسم شده است. نقش مرغ ماهی خوار در هر دو طرف جل دیده می شود. «نقوش این جل و پیش سینه، باید از جنس چرم باشد که بر روی نمذ دوخته اند؛ بنابراین آراستن جل و زین و برگ اسب با قطعات بریده شده از چرم، از هزاران سال پیش در ایران متداول بوده است» (سمسار ۱۳۴۳). در ریتون به دست آمده از ماکو (تصویر ۳) که اینک در موزه ایران باستان نگهداری می شود، تصویر جل اسب بر ریتون اسب مانند با مربع های حاشیه طولی و عرضی و نقش گراز قابل مشاهده است (تصویر ۴). تصاویر اسب بر روی ریتون، مولود تفکری کهن است. گیرشمن معتقد است «ریتونی که شکل اسب دارد، در مراسم تدفین مردگان به کار می رفته است. ... منظور از این عمل این بود که حیوان یا قالب آن را در قبر قرار دهند تا بتواند روح مرده را به دنیای دیگر ببرد» (گیرشمن ۱۳۴۶، ۲۹۱).



تصویر ۲: نقش جل اسب ریتون شوش (گیرشمن ۱۳۴۶، ۲۹۱)



تصویر ۱: اسب سفالین شوش (گیرشمن ۱۳۴۶، ۲۸۹)



تصویر ۴: نقش جل اسب تصویر بر ریتون ماکو (گیرشمن ۱۳۴۶، ۲۸۸)



تصویر ۳: ماکو، ریتون با نقش جل اسب، قرن هشتم پیش از میلاد (سمسار ۱۳۴۳ به نقل از گزارش های باستان شناسی، ج. ۳)

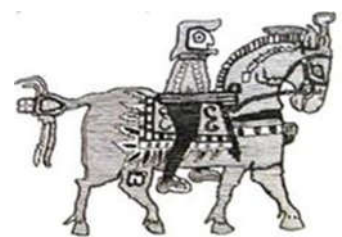
علاوه بر نقوش جل اسب بر روی ریتون، بر قالی پازیریک که کهن ترین فرش باقی مانده از دوران کهن است، جل اسب با نقوش گیاهی تصویر شده است (تصاویر ۵ و ۶). همچنین همراه با کشف پازیریک جل نمذی کشف شده است (تصویر ۷). این نمذ با زینت های چرمی که بدان ها الصاق شده است، بنا بر سبک «دایره و ویرگول» مجسم گردیده اند؛ به این معنی که عضلات حیوان را به صورت ویرگول نشان داده اند و همه آن ها با جل نمدهایی که سفال سازان شوش و ماکو روی اسب های منقوش در کوزه هایشان قرار داده اند، شباهت دارند (گیرشمن ۱۳۴۶، ۳۶۲).



تصویر ۷: جل نمذ با زینت های چرمی (قرن سوم تا چهارم پیش از میلاد)، موزه آرمیتاژ (گیرشمن ۱۳۴۶، ۳۶۳)



تصویر ۶: قالی پازیریک، جزئیات. موزه آرمیتاژ (گیرشمن ۱۳۴۶، ۳۶۱)



تصویر ۵: قالی پازیریک، جزئیات، موزه آرمیتاژ (حشمتی رضوی ۱۳۸۷، ۱۰۶)

گزنفون اشاره دارد که ایرانیان بر زین و برگ اسبانشان بیشتر از کف اتاقشان قالی پهن می‌کنند چون می‌خواهند با نرمی و ملایمت بر آن بنشینند (گزنفون ۱۳۴۲). «در زمان پارت‌ها نوعی زین برجسته جای تکه فرش قبلی را گرفت» (تناولی ۱۳۷۷، ۱۷). در ظروف سیمین از دوره ساسانی که پادشاهان را در حال شکار نشان می‌دهند، پوشش و تزیینات اسب به‌وضوح قابل مشاهده است (تصویر ۸). در آثار هنری دوره اسلامی جل از تزیینات اسب بوده است و در نمونه بشقاب‌های سلجوقی (تصویر ۹) و نگارگری اسلامی (تصویر ۱۰) به‌صورت بافته‌های منقش در زیر زین دیده می‌شوند که حالت عرق‌گیر دارند. در سایر هنرهای ایرانی مانند قالی‌های دوره‌های متعدد، کاشی‌کاری، تشعیر و تذهیب نیز اسب با پوششی آراسته نقش شده است.



تصویر ۱۰: نگاره‌ای از نسخه هفت‌اورنگ (منسوب به شیخ محمد)، ۹۶۴-۹۷۳ق (پاکباز ۱۳۹۰، ۱۰۸)



تصویر ۹: تزیین سفالینه مینایی (هفت‌رنگ) با طرح سوارکار و صحنه شکار قرن هفتم هجری (توحیدی ۱۳۸۲، ۳۵۱ به نقل از کیانی و کریمی ۱۳۶۴، ۶۲)



تصویر ۸: شکار گراز نقشی از کاسه سیمین مربوط به عهد ساسانی، موزه آرمیتاژ (آیت‌اللهی ۱۳۸۰، ۱۸۹)

### ۳-۲. مکان‌های بافت جل اسب

متعلقات آرایش اسب شامل زین، دهنه، رکاب، تازیانه، کلگی و افسار<sup>۱</sup> و ستام و براق<sup>۲</sup> است و سگک و قلاب برای بستن نوارهای مزبور است. پوشش‌هایی که برای روی اسب استفاده می‌شود «رواندازه‌های مرتبط با زین، روزینی و روکپلی؛ ۲. جل اسب و ۳. غاشیه و یا زین‌پوش [است]» (تناولی ۱۳۷۷، ۵۹-۵۷). از میان رواندازه‌ها جل اسب با اشکال، اندازه‌ها و تزیینات گوناگون در مناطق متعددی تولید می‌شود. «عشایر آذربایجان، دشت مغان، کردهای خراسان، ترکمن‌ها، عشایر فارس، ورامین و ایل افشار هرکدام به‌گونه‌ای جل را بافته و تزیین می‌کنند... در ایلات کرمان به‌صورت گلیم، نقوش سوزنی، شیریکی پیچ با تاروپود پشم و عشایر آذربایجان تکنیک بافت جاجیم برای تولید جل استفاده می‌کنند» (سیدصدر ۱۳۸۶، ۱۰۸). «تقریباً همه عشایر ایران به‌جز دسته‌هایی از بلوچ‌های خراسان و سیستان و بلوچستان جل بافته‌اند. برخی از عشایر در این رشته پرکارتر و برخی کم‌کارترند. از جمله عشایری که بیشترین سهم را در جل‌بافی داشته‌اند، قشقایی‌ها و شاهسون‌ها هستند. از بختیاری‌ها، لرها، کردها، افشارها و ترکمن‌ها نیز جل‌هایی قابل توجه به جا مانده است» (تناولی ۱۳۷۷، ۶۷) در استان فارس در میان طایفه‌های متعدد عشایر قشقایی و لر، جل‌بافی دارای تنوع رنگ و نقش فراوانی است و از این میان، جل اسب‌های ایل قشقایی معروف‌ترند.

### ۴-۲. جل اسب قشقایی

ایل قشقایی از بزرگ‌ترین ایل‌های کوچ‌رو بوده است و از طایفه‌های دره شوری، شش‌بلوکی، کشکولی بزرگ و کوچک و قراچه، فارسیمدان، عمله و تیره‌های مستقل صفی‌خانی، گله‌زن و یلمه‌ای تشکیل شده است. در بین این طایفه‌ها بافت جل اسب با تأثیرپذیری از جغرافیای بافندگان دارای رنگ و طرح‌های متفاوتی هستند. در ایل قشقایی مهارت مردان طایفه دره‌شوری در پرورش اسب و زنان این طایفه، در بافت جل اسب جایگاه خاصی دارد. زنان طوایف دره شوری و کشکولی از مهم‌ترین بافندگان جل اسب در این جامعه عشایری محسوب می‌شوند. جل دارای شکلی مستطیل یا مربعی است. جل اسب‌های عشایر قشقایی «دو بازوی پهن دارد که سینه اسب را می‌پوشاند؛ آن را "دستک" می‌خوانند. دستک‌ها توسط نوار دست‌بافته‌ای (به همان طرح و نقش جل) به پهنای تقریبی ده سانتی‌متر و درازی حدود هفتاد سانتی‌متر به یکدیگر بسته می‌شود. این نوار را "خفتک" گویند. نوار باریک و تسمه‌مانندی در دو سمت بدنه جل می‌دوزند که در زیر شکم اسب گره می‌خورد و جل را محکم و چسبان نگه می‌دارد» (پرهام ۱۳۷۱، ۹۷).

نقوش جل اسب‌های قشقایی شامل نقوش جانوری، گیاهی، انسانی و انتزاعی‌اند و نقطه‌های رنگین یا چندضلعی‌های کوچک که نقش چاپرکن دارند. نقشه‌ها به‌صورت سراسری و محرمات بافته می‌شوند. بیشترین فراوانی نقوش جل اسب‌های قشقایی عناصر حیوانی‌اند و طاووس و بز دو نقش مایه حیوانی پرکاربردند. انواع نقش بته نیز از پرکاربردترین نقش مایه گیاهی جل‌های قشقایی است. این بافته داری با تکنیک‌های متعددی به‌صورت یک تکه یا دو تکه بافته می‌شوند. تکنیک‌های بافت به‌صورت ترکیبی (زمینه گلیم دورو و نقش به‌صورت رند<sup>۴</sup> (پیچ)، زمینه گلیم دورو و نقش به‌صورت گره بافته یا زمینه کرباس و نقش پیچ (رند) یا گره‌دار رواج دارد. علاوه بر آن بر اساس سلیقه بافندگان به‌صورت جاجیم‌بافی<sup>۵</sup>، ششه‌درمه<sup>۶</sup> یا وارونه چین<sup>۷</sup> بافته می‌شده است. در شیوه ترکیبی زمینه تخت و نقوش بر سطح کار به‌صورت برجسته‌اند و برجسته‌بافی به‌صورت گره‌دار در طایفه کشکولی و طایفه دره‌شوری رایج بوده است که در میان طایفه دره‌شوری این نوع برجسته‌بافی را ترکمن نقش (قالی‌بری) گویند. جل اسب‌های رندباف شکل در طایفه دره‌شوری نیز جایگاه خاصی دارند. به‌طور کلی به‌علت نوع زندگی وابسته به کوچ، بافتن جل اسب در بین طایفه‌های متعدد قشقایی رواج داشته است. نمونه جل اسب‌های قشقایی در تصاویر ۱۱ تا ۱۳ دیده می‌شود.



تصویر ۱۳: جل اسب نقش برجسته قشقایی (عمله، تیره آردکیان)، بافنده خانم جهانگیری (نگارنده ۱۳۹۶)



تصویر ۱۲: جل اسب قشقایی، ششه‌درمه، دوره معاصر، موزه هنرهای صنایع دستی شیراز (نگارنده ۱۳۹۰)



تصویر ۱۱: جل اسب قشقایی، رندباف، دوره معاصر، موزه هنرهای صنایع دستی شیراز (نگارنده ۱۳۹۰)



تصویر ۱۵: جل اسب قشقایی رند (کشکولی) (نگارنده ۱۳۹۶)



تصویر ۱۴: جل اسب قالی‌بری قشقایی (بلمه‌ای) (نگارنده ۱۳۹۶)

منگوله‌ها نقش مهمی در تزئین جل اسب‌های قشقایی دارند؛ کاربرد جل‌هایی با تعداد زیادی منگوله در اطراف، در جشن عروسی برای عروس‌کشان و اعیاد استفاده می‌شده است. گاه جل اسب بدون دستک بافته می‌شود (تصویر ۱۵). در وضعیت فعلی از زین و یراق از جنس چرم به‌جای جل اسب‌های سنتی استفاده می‌شود و کاربرد جل‌های سنتی محدود به مراسم آیینی، اعیاد یا جشن‌های خاص است.

## ۵.۲. اسکان و تغییرات زندگی عشایری

سیاست اسکان عشایر در تاریخ ایران در حکومت‌های صفویه، دیلمیان و افشاریه وجود داشته است و در دوره پهلوی اول (رضاشاه) با عنوان تخت قاپو کردن عشایر با نگرش سیاسی و کاستن نیروی جامعه عشایری به‌عنوان قشر کثیری از جامعه ایران در سال ۱۳۰۶ آغاز شد. اسکان

عشایر فارس در راستای برنامه اصلاحات ارضی<sup>۱</sup> اجرا شد. «در تاریخ بهمن‌ماه سال ۴۱ در فارس خلع سلاح عمومی عشایر اعلام شد» (اطلاعات، ۱۳۴۱/۱۱/۱۱، ۱). خلع سلاح عشایر در پی آرام کردن طغیان‌های افراد کوچ‌نشین و اجرایی شدن برنامه اصلاحات ارضی، عشایر را مجبور به اسکان در یک نقطه نمود. این امر که مهم‌ترین بخش زندگی عشایر یعنی کوچ را حذف نموده بود، علاوه بر ناسازگاری فرهنگ عشایری با سبک زندگی تحمیل شده، تولید دست‌بافته‌های عشایر را نیز دگرگون کرد. پس از این روش تحمیلی، صورت دیگری از اسکان در جامعه عشایر شکل گرفت. «اسکان خودانگیخته که بازگوی وقایع یکجانشینی است، از دهه ۱۳۳۰ خواه به‌صورت فردی و خواه به‌صورت گروهی آغاز شد و از آنجا که در این دوره، اجباری برای اسکان نبوده می‌توان نتیجه گرفت که پیدایش انگیزش درونی در خانوار برای اولین بار بر برتری نسبی اسکان استوار شده است» (مهدوی، رایبی، و قدیری معصوم ۱۳۸۶، ۵۰). در میان کانون‌های اسکان‌یافته عشایر فارس تعداد ۴۳ کانون به‌صورت اجباری و تعداد ۴۴ کانون به‌صورت خودانگیخته بوده است (سازمان امور عشایر ایران ۱۳۸۵). این پدیده که با هدف سیاسی آغاز شد، در جهت ارائه خدمات و توسعه آن از سال ۱۳۷۱ به‌طور جدی مورد توجه قرار گرفت. تبعات آغازین اسکان چه به‌صورت اجباری یا خودانگیخته بر عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه عشایری تأثیرگذار بوده است.

از جمله تغییرات اجتماعی اسکان فروریزی ساختمان طبقاتی ایل بوده است که با انتخاب یکجانشینی نظام ارزشی ایل عشایری را دگرگون کرد. جامعه عشایری قشقایی از نظر سلسله‌مراتب اجتماعی از کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین واحد به‌صورت خانوار، اُبه (بنکو)، تیره، طایفه و ایل بوده که بر مبنای کارکردهای ساختاری در قالب زبان، فرهنگ و سرزمین مشترک انسجام یافته است (کیانی ۱۳۸۸، ۱۴۸). تحت‌تأثیر این ساختار اجتماعی رهبری و هدایت جامعه عشایری متفاوت است. تیره تحت سرپرستی کدخدا یا [کیخا در گویش محلی] طایفه تحت سرپرستی کلانتر قرار دارد. حضور کلانتران که از خویشاوندان نزدیک ایلخانی ایل (رهبر بزرگ ایل) بوده‌اند در نقش گروه خوانین از سایر اعضای جامعه ایلی متمایز و از تشخص، منزلت و جایگاه خاصی برخوردار بودند (دومورینی ۱۳۷۵، ۲۸۹). سلسله‌مراتب سیاسی و قدرت در ایل قشقایی حلقه‌هایی متصل به هم بوده است که بر اساس وابستگی نژادی و زبانی افراد در رأس و اعتماد اعضای طبقات امکان فرمان‌برداری را از طرف جامعه ایلی برای سرپرستان ممکن می‌ساخت. با حذف کارکرد طبقات اجتماعی و رهبری ایل تحت‌تأثیر پدیده اسکان در جامعه ایلی عشایری مدیریت زندگی ایلی تغییر کرد. تغییر مدیریت که در نتیجه تغییر نظام ارزشی ایل بوده است ساختار اقتصادی را نیز دگرگون کرد.

اقتصاد جامعه عشایری وابسته به دام و دامپروری است که با ماهیت کوچ و بیلاق و قشلاق ایل، در جهت حفظ دام و انتخاب شرایط زیستی مناسب برای پرورش دام و رونق دامپروری شکل می‌گیرد. تولیدات ایل محصول فعالیت‌های مرتبط با دامپروری است که به دو دسته فراورده‌های لبنی و گوشتی و تلاش هنرمندان زن ایل در تولید انواع دست‌بافته‌هاست که محصول دیگری از پشم و موی انواع دام بوده که در درجه اول برای رفع نیاز و آسایش نوع زندگی عشایری بافته می‌شده و متعاقباً در فضای اقتصادی مبادله کالا با روستا یا جامعه شهری تأمین‌کننده اقتصاد خانواده بوده است. با حذف کوچ و یکجانشینی عشایر، تغییر در نحوه نگهداری دام‌ها و توسعه ارتباطات به‌جای بافته‌های کاربردی زندگی عشایری کالاهای ارزان‌تر جایگزین شد. از آنجا که پایه تولید دست‌بافته‌های عشایری بر مبنای نیاز زندگی ایلی شکل گرفته بود، بسیاری از روش‌های بافت رو به فراموشی نهاده یا انواع بافته‌های کاربردی جامعه عشایری با رکود بافت مواجه شدند؛ جل اسب نخستین نمونه دست‌بافته‌ای است که متأثر از اسکان با روند نزولی تولید و در ادامه با رکود بافت مواجه شد. به بیان دیگر با تغییر فرهنگ مصرفی الگوهای تولیدی نیز تغییر یافتند. جل به‌عنوان یک محصول مادی از جامعه عشایری در گذشته برای پوشش، مهم‌ترین همراه مرد ایل و راهوار سفر وی با سلیقه زنان به‌زیبایی بافته می‌شد اما تغییر شیوه زندگی و تأثیر این تغییر بر نوع مصرف جل که با حذف کوچ، اهمیت اسب کمتر شد؛ در نتیجه بافت جل اسب نیز کاهش یافت. آمیختگی اسکان و پرورش دام به‌صورت اندک همراه با توسعه کشاورزی و بهبود شرایط زندگی ایلی عوارضی مانند حذف محصولات بومی را که بخشی از سنت‌ها و فرهنگ ایلی را در خود نهفته دارد، در پی داشته است.

### ۳. یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی تعداد ۱۲۹ نفر از پاسخ‌گویان در شناسایی عوامل تأثیرگذار بر رکود بافت جل اسب شامل ۷۳ نفر، ۵۷/۰ زنان و ۵۶ نفر، ۴۳/۰ مرد هستند که از این تعداد ۵۷ نفر، ۴۴/۰ مجرد و ۷۲ نفر، ۵۶/۰ متأهل‌اند. از نظر سن، تعداد ۱۴ نفر پاسخ‌گو یعنی ۱۱/۰ زیر ۲۰ سال، ۲۰ نفر یا ۱۵/۰ بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۳۳ نفر یا ۲۶/۰ بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۴۲ نفر یا ۳۳/۰ بین ۴۱ تا ۵۰ سال و ۲۰ نفر یا ۱۵/۰ دارای سن ۵۱ تا ۶۰ سال هستند. از نظر تحصیلات نیز تعداد ۳۹ نفر یا ۳۰/۰ بی‌سواد، ۴۷ نفر یا ۳۷/۰ زیر دیپلم، ۲۴ نفر یا ۱۹/۰ دیپلم، ۱۲

نفر یا ۰/۹ دارای مدرک کاردانی و ۷ نفر یا ۰/۵ دارای مدرک کارشناسی‌اند. ۱۰۲ نفر از پاسخ‌گویان موافق اسکان و ۲۷ نفر مخالف اسکان عشایر بودند. در پی نظرسنجی و گفت‌وگو با افراد این حوزه در بررسی عوامل محیطی با متغیرهای (اجتماعی فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و تکنولوژیکی) و ارتباط با پدیده اسکان، مجموع مؤلفه‌های متغیرها شناسایی شدند که در جدول ۱ نشان داده شده‌اند.

جدول ۱: عوامل متغیرهای محیطی متأثر از پدیده اسکان

متغیرها	مؤلفه‌های شناسایی شده
فرهنگی اجتماعی	حذف کوچ، تغییر نظام ارزشی ایل، عدم آموزش، تمایل زنان به تحصیلات، بی‌مهارتی بافندگان، رفاه‌طلبی، ناآگاهی از روش بافت
سیاسی	نبودن رهبری طبقات ایلی، حمایت‌های دولتی
اقتصادی	نبود تقاضای بازار، حضور واسطه‌ها
تکنولوژیکی	توسعه وسایل حمل‌ونقل صنعتی، تعریف نکردن مالکیت معنوی

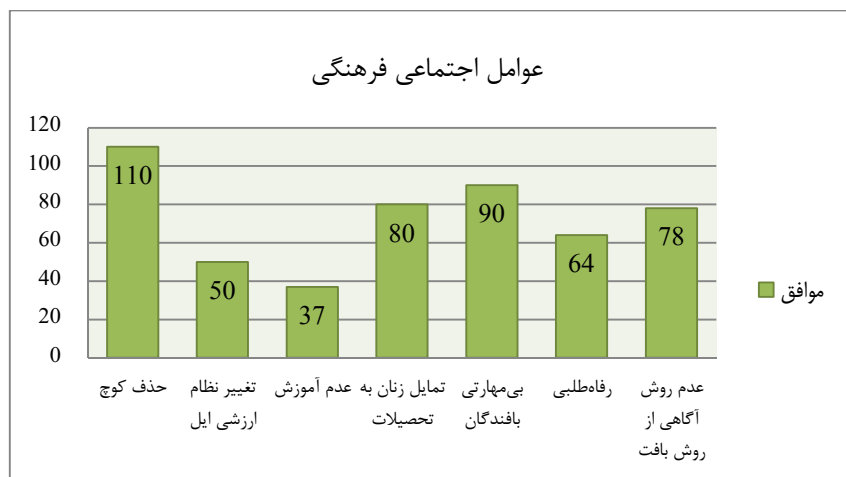
سپس با یافته‌های حاصل از تغییرات اسکان بر زندگی عشایری، موارد به‌دست‌آمده مورد آزمون قرار گرفته و به‌صورت توصیفی در راستای رد یا تأیید فرضیه‌ها تحلیل شده‌اند. نتایج حاصل از نظرسنجی و تعداد پاسخ‌گویان از نظر فراوانی افراد موافق و مخالف در جدول‌های مربوط قرار داده شدند.

فرضیه نخست: عوامل اجتماعی فرهنگی متأثر از پدیده اسکان سبب رکود بافت جل اسب قشقایی است.

متغیرهای عوامل اجتماعی فرهنگی شامل حذف کوچ، تغییر نظام ارزشی ایل، عدم آموزش، تمایل زنان به تحصیلات، بی‌مهارتی بافندگان، رفاه‌طلبی، ناآگاهی از روش بافت هستند که در جدول (۲) تعداد و درصد فراوانی عوامل مربوط بررسی شده است.

جدول ۲: تعداد و درصد فراوانی عوامل اجتماعی و فرهنگی از نظر پاسخ‌گویان

تأثیرگذاری مؤلفه‌های اجتماعی فرهنگی	مخالف			موافق		
	تعداد	درصد فراوانی	فراوانی تجمعی	تعداد	درصد فراوانی	فراوانی تجمعی
حذف کوچ	۱۹	۱۵	۱۵	۱۱۰	۸۵	۸۵
تغییر نظام ارزشی ایل	۷۹	۶۱	۷۶	۵۰	۳۹	۱۲۴
عدم آموزش	۹۲	۷۱	۱۴۷	۳۷	۲۹	۱۵۳
تمایل زنان به تحصیلات	۴۹	۳۸	۱۸۵	۸۰	۶۲	۲۱۵
بی‌مهارتی بافندگان	۳۹	۲۵	۲۱۰	۹۰	۷۵	۲۹۰
رفاه‌طلبی	۶۵	۵۵	۲۶۵	۶۴	۴۵	۳۳۵
ناآگاهی از روش بافت	۵۱	۴۰	۳۰۵	۷۸	۶۰	۳۹۵



تصویر ۱۶: فراوانی نظر موافقان در تأثیرگذاری عوامل اجتماعی فرهنگی بر رکود بافت جل اسب

از تصویر ۱۶ مشاهده می‌شود که حذف کوچ با بیشترین فراوانی و پس از آن عوامل بی‌مهارتی بافندگان، تمایل زنان به ادامه تحصیل،

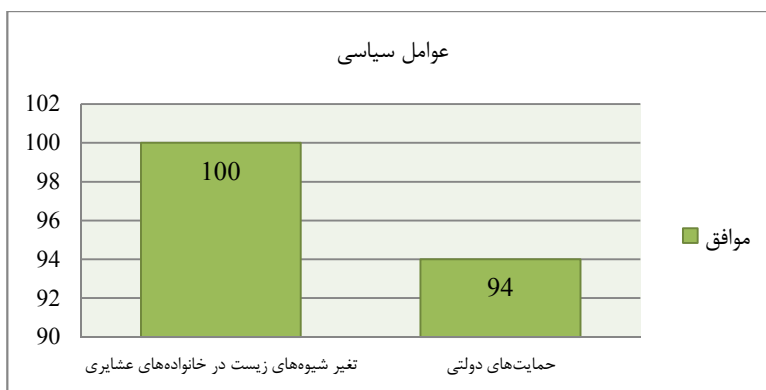


ناآگاهی از روش بافت، رفاه‌طلبی، تغییر نظام ارزشی ایل و عدم آموزش، به‌ترتیب عوامل اجتماعی فرهنگی متأثر از پدیدهٔ اسکان بوده که سبب رکود بافت جل اسب شده است.

فرضیهٔ دوم: عوامل سیاسی حاصل از پدیدهٔ اسکان سبب رکود بافت جل اسب قشقایی است. پدیدهٔ اسکان در همه‌گیر شدن با اهداف سیاسی صورت گرفت و عوارض ناشی از این تصمیم در ابعاد متعددی بر تولید جل اسب تأثیر گذاشت و دو عامل سیاسی، نبودن رهبری طبقات ایلی در بین خانواده‌های عشایر، و نبود حمایت‌های دولتی در رکود بافت جل اسب بیشترین تأثیر را داشته است. جدول ۳ فراوانی مؤلفه‌های سیاسی را از نظر پاسخ‌گویان نشان می‌دهد.

جدول ۳: تعداد و درصد فراوانی عوامل سیاسی از نظر پاسخ‌گویان

مخالف			موافق			مؤلفه‌های سیاسی
فراوانی تجمعی	درصد فراوانی	تعداد	فراوانی تجمعی	درصد فراوانی	تعداد	
۲۲	۲۲	۲۹	۷۸	۷۸	۱۰۰	نبودن رهبری طبقات ایلی
۴۹	۲۷	۳۵	۱۵۱	۷۳	۹۴	حمایت‌های دولتی



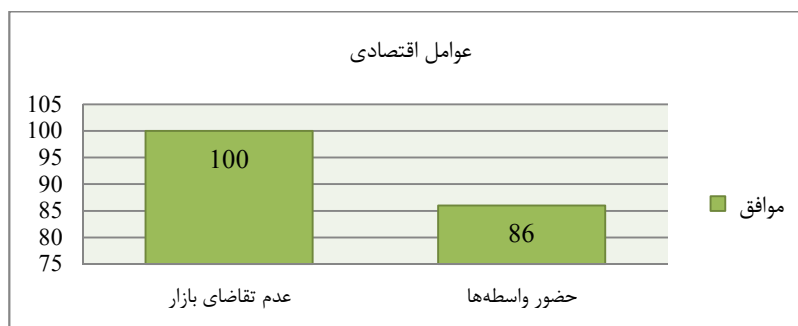
تصویر ۱۷: فراوانی نظر موافقان در تأثیرگذاری عوامل سیاسی بر رکود بافت جل اسب

با توجه به شکل ۱۷ نبودن رهبری طبقات ایلی در خانواده‌های عشایر قشقایی و سپس نبود حمایت دولت در تولید بافته‌های سنتی به‌ترتیب از دلایل سیاسی تأثیرگذار بر رکود بافت جل اسب بوده است.

فرضیهٔ سوم: عوامل اقتصادی حاصل از پدیدهٔ اسکان سبب رکود بافت جل اسب قشقایی است. عدم تقاضای بازار و حضور واسطه‌ها متغیرهای عوامل اقتصادی است. جدول ۴ تعداد و درصد فراوانی مؤلفه‌های عامل اقتصادی را نشان می‌دهد.

جدول ۴: تعداد و درصد فراوانی عوامل اقتصادی از نظر پاسخ‌گویان

مخالف			موافق			مؤلفه‌های اقتصادی
فراوانی تجمعی	درصد فراوانی	تعداد	فراوانی تجمعی	درصد فراوانی	تعداد	
۲۲	۲۲	۲۹	۷۸	۷۸	۱۰۰	عدم تقاضای بازار
۵۵	۳۳	۴۳	۱۴۵	۶۷	۸۶	حضور واسطه‌ها



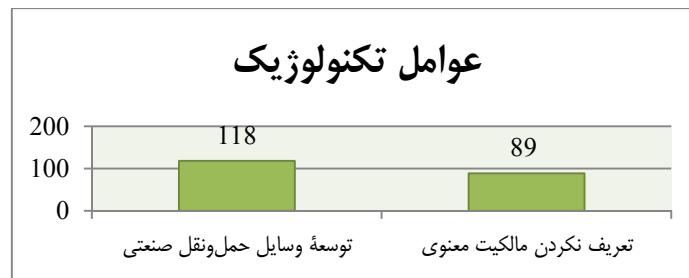
تصویر ۱۸: فراوانی نظر موافقان در تأثیرگذاری عوامل اقتصادی بر رکود بافت جل اسب

عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر رکود بافت جل اسب به ترتیب شامل عدم تقاضای بازار و حضور واسطه‌هاست که برحسب میزان بیشترین فراوانی در تصویر ۱۸ نشان داده شده است.

فرضیه چهارم: عوامل تکنولوژیکی حاصل از پدیده اسکان سبب رکود بافت جل اسب قشقای است. مؤلفه‌های تکنولوژیکی شامل توسعه وسایل حمل و نقل صنعتی و تعریف نکردن مالکیت معنوی است. تعداد و درصد فراوانی عوامل تکنولوژیک از نظر پاسخ‌گویان در (جدول ۵) نشان داده شده است.

جدول ۵: تعداد و درصد فراوانی عوامل تکنولوژیک از نظر پاسخ‌گویان

مخالف			موافق			مؤلفه‌های تکنولوژیکی
فراوانی تجمعی	درصد فراوانی	تعداد	فراوانی تجمعی	درصد فراوانی	تعداد	
۹	۹	۱۱	۹۱	۹۱	۱۱۸	توسعه وسایل حمل و نقل صنعتی
۴۰	۳۱	۴۰	۱۶۰	۶۹	۸۹	تعریف نکردن مالکیت معنوی



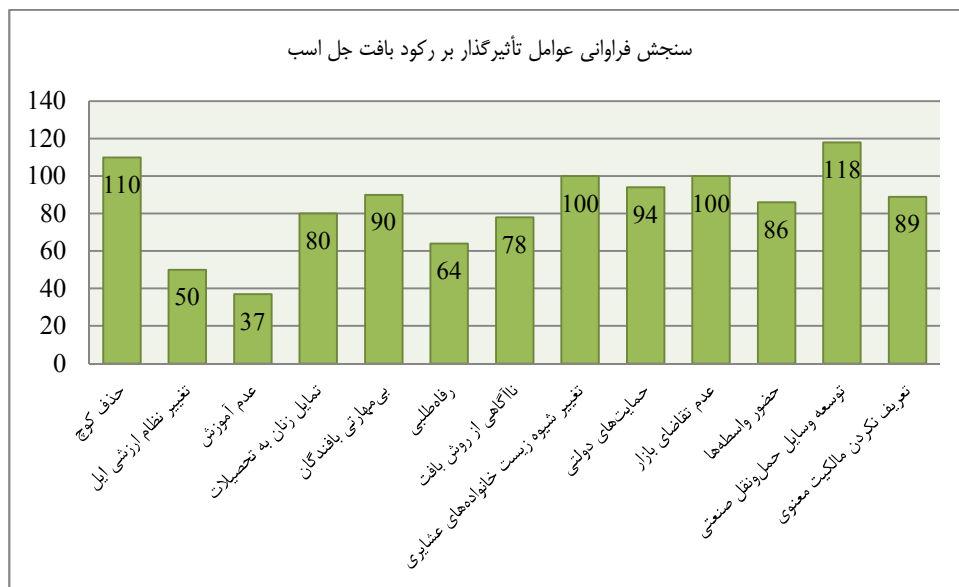
تصویر ۱۹: فراوانی نظر موافقان در تأثیرگذاری عوامل تکنولوژیک بر رکود بافت جل اسب

تصویر ۱۹ نشان می‌دهد که توسعه وسایل حمل و نقل به عنوان نخستین و مهم‌ترین مؤلفه تکنولوژیکی بر نفاختن جل اسب تأثیر داشته است و پس از آن تعریف نکردن مالکیت معنوی و جایگاه مشخص ارزشی به نوع دست‌بافته‌ها از مهم‌ترین عوامل تکنولوژیکی با بیشترین فراوانی تأثیرگذار بر رکود بافت جل اسب بوده‌اند.

#### ۴. نتیجه‌گیری

بافت جل اسب در میان ایلات قشقای هنری پویا و زنده بوده است که با تأثیرپذیری از جغرافیای زیستی، محیط طبیعی و خلاقیت، ذوق و سلیقه زنان بافنده عشایر رشد نموده که آثاری اندک اما هنرمندانه از این نوع بافته بر جای مانده است. در پی بررسی علل رکود بافت این دست‌بافته، چهار دسته عوامل اجتماعی فرهنگی، عوامل سیاسی، عوامل اقتصادی و عوامل تکنولوژیکی شامل سیزده متغیر شناسایی شد و سنجش عوامل مربوط بر اساس دیدگاه موافقان توصیف گردید. نتیجه نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و تکنولوژیکی متأثر از پدیده اسکان سبب رکود بافت جل اسب قشقای است. و فرضیه‌های این پژوهش تأیید شدند. بر اساس شکل ۲۰، همه متغیرهای عوامل تأثیرگذار بر رکود بافت جل اسب شامل توسعه وسایل حمل و نقل صنعتی، حذف کوچ، عدم تقاضای بازار، تغییر شیوه زیست در خانواده‌های عشایری، نبودن رهبری طبقات ایلی حمایت‌های دولت، بی‌مهارتی بافندگان، تعریف نکردن مالکیت معنوی، حضور واسطه‌ها، تمایل زنان به تحصیلات عالی، ناآگاهی از روش بافت، رفاه‌طلبی، تغییر نظام ارزشی ایل، عدم آموزش به نیروهای بافنده جوان به ترتیب دارای بیشترین تأثیر بر رکود بافت جل اسب بوده‌اند.

نتایج حاصل از این پژوهش با عامل ورود وسایل حمل و نقل صنعتی با دیدگاه پرهام (۱۳۷۱) در کتاب جل‌های عشایری و روستایی ایران درباره ورود خودرو لندکروز و کاهش استفاده از اسب، و کاهش تولید جل اسب مطابقت دارد. پژوهش گریوانی و آشوری (۱۳۸۶) در ارتباط با تغییر شیوه تولید دست‌بافته‌ها بوده که عامل آموزش عشایری را در تغییر نظام تولید مؤثر دانسته و در این پژوهش با تمایل به تحصیلات عالی قابل تطابق است. به بیان دیگر، متغیرهای مشابه نتایج این پژوهش با مطالعات پیشین مطابقت دارد.



تصویر ۲۰: سنجش مؤلفه‌های حاصل از تأثیر اسکان بر رکود بافت جل اسب

پیشنهاد می‌شود در ادامه این پژوهش، مطالعه تطبیقی نقش و ساختار جل اسب قشقایی از منظر مردم‌شناسی، و بررسی دلایل رکود سایر دست‌بافته‌ها در سایر مناطق جغرافیایی بررسی شود. همچنین با آسیب‌شناسی و شناخت مؤلفه‌های موجود می‌توان راهکارهای اجرایی در راستای حفظ ارزش‌های بومی از میان مؤلفه‌های شناسایی شده که قابلیت‌های تطابق با وضعیت اسکان را دارند، موارد زیر را ارائه داد:

۱. در گذشته دانش جل اسب‌بافی از مادر به دختر منتقل می‌شده است. ضروری است که از هنر بافندگان باتجربه برای انتقال دانش شیوه بافت و حفظ اصالت‌های بومی در مؤسساتی مانند موزه‌ها که علاوه بر نگهداری نمونه‌هایی از جل اسب می‌تواند مراکز پژوهشی آموزش‌های لازم برای علاقه‌مندان باشد، استفاده شود، و با انتخاب آموزش در مکان تعریف‌شده بخش مالکیت معنوی کار خودبه‌خود در فضای فرهنگی، معنادار و قابل ثبت است.

۲. با توجه به اینکه ماهیت کاربردی جل اسب کمرنگ شده، توجه به بُعد هنری با قابلیت‌های زیباشناسی این دست‌بافته لازم است؛ بنابراین حمایت دولت و سازمان‌های تصمیم‌گیرنده از هنرمندان در ارائه خلاقانه این کالا مجال برای معرفی بهتر و بیشتر جل اسب رو به رکود خواهد بود.

۳. استفاده نمادین از جل اسب در مسابقات اسب‌سواری، به‌خصوص که امروزه هنوز پرورش‌دهندگان مهم اسب از طایفه دره‌سوری ایل قشقایی هستند، زمینه‌ای برای تبلیغ و توسعه بافت به‌عنوان یک نشانه اصیل کارایی مطلوبی دارد.

در شرایطی این پژوهش صورت گرفته که آسیب کلانی در رکود و رو به فراموشی رفتن جل اسب وارد شده است. حذف کوچ و اسکان صورت گرفته است، شیوه زیست خانوادگی عشایری تغییر نموده، ابزارهای صنعتی و کالاهای جایگزین به‌جای اسب پاسخ مناسبی به سرعت یافتن زندگی و رفاه بیشتر بوده و نیاز به تولید جل اسب یک امر ضروری محسوب نمی‌شود، در نتیجه بازار خرید و فروش رو به کاهش گذاشته است. امید است که پیشنهادات اجرایی در قالب عمل پیش از رخداد مرگ و فراموشی این دست‌بافته صورت گیرد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. بر سر اسب بسته می‌شود و انتهای آن در دست سوارکار قرار دارد.
۲. تسمه‌هایی هستند که دور سینه، شکم و کپل اسب بسته می‌شوند.
۳. در نظر قشقایی‌ها رند متمایز با گلیم است. رند پیچ بافته است و گلیم دورو و به‌صورت رفت و برگشتی با الیاف رنگی بر تار شکل می‌گیرد.
۴. جاجیم گونه‌ای زیرانداز دورویه است که به‌صورت تارنما بافته می‌شود و چله‌های رنگی و نخ‌های رنگی هر دو با هم در بافت آن تأثیر دارند.
۵. ششه‌درمه نوعی بافته خاص عشایر قشقایی است که با دو رنگ و با طرح تکراری و با تارهای دو رنگ که در کنار هم قرار می‌گیرند بافته می‌شود. شیوه بافتی که امروز اندک شده است.

۶. به صورت برعکس رند که نخ رنگی حول تار می پیچد و از رو دوباره تکرار می شود؛ این حرکت به صورت معکوس یعنی از زیر تارها عبور می کند. و بیشتر برای بافت انواع طناب استفاده می شود.

۷. طراح اصلی برنامه های اصلاحات ارضی دکتر حسین ارسنجانی بود. «در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۴۰ به وزارت کشاورزی منصوب شد، پس از هشت ماه لایحه اصلاحی قانون اصلاحات ارضی را تهیه کرد و به تصویب رساند و فقط ۱۲ روز پس از مهلت قانونی در تاریخ ۱۲ اسفند سال ۴۰ قانون را در شهر مراغه اجرا کرد» (ارسنجانی ۱۳۷۹، ۳۶۷). «ارسنجانی پیشنهاد کرد که حداکثر مالکیت، به یک ده شش دانگ محدود شود. از همه مالکانی که بیش از یک روستا را مالک بودند خواسته شد که زمین های اضافه بر مقدار مجازشان را به قیمتی که به حساب ارزش ادعایی زمین برای پرداخت مالکیت تعیین می شد، به حکومت بفروشند» (هوگلاند ۱۳۸۱، ۱۰۳).

## منابع

۱. ارسنجانی، نورالدین. ۱۳۷۹. دکتر ارسنجانی در آینه زمان. تهران: قطره.
۲. آیت اللهی، حبیب الله. ۱۳۸۰. کتاب ایران: تاریخ هنر، تهران: انتشارات بین المللی الهدی و سروش.
۳. بنیانیان، حسن. ۱۳۸۹. «نوشتاری درباره آسیب شناسی فرهنگی و مدیریتی فرایند تصمیم گیری در برنامه ریزی در کشور، مسئله شناسی و مسئله یابی در جامعه ایرانی». سوره اندیشه، ش. ۴۶: ۱۰۹۹-۱۰۹۹.
۴. پاکباز، رویین. ۱۳۹۰. نقاشی ایران از دیرباز تا امروز. چ ۱۰، تهران: زرین و سیمین.
۵. پرهام، سیروس. ۱۳۷۱. دست بافته های روستایی و عشایری فارس. تهران: امیرکبیر.
۶. پوردوود، ابراهیم. ۱۳۵۵. فرهنگ ایران باستان. تهران: دانشگاه تهران.
۷. تناولی، پرویز. ۱۳۷۷. جل های عشایری و روستایی ایران. تهران: یساولی.
۸. توحیدی، فائق. ۱۳۸۲. فن و هنر سفالگری. چ ۲. تهران: سمت.
۹. حشمتی رضوی، فضل الله. ۱۳۸۷. تاریخ فرش: سیر تحول و تطور فرش بافی ایران. چ ۱. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).
۱۰. دومورینی، ژ. ۱۳۷۵. عشایر فارس (اصلاحات اداری). ترجمه جلال الدین رفیع فر، چ ۱، تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. روزنامه اطلاعات، شماره ۱۱۰۱۳. ۱۱/۱۱/۱۳۴۱.
۱۲. سازمان امور عشایر ایران. ۱۳۸۵. کانون های اسکان عشایر. تهران: دفتر مطالعات.
۱۳. ستوده، هدایت الله. ۱۳۷۶. آسیب شناسی اجتماعی. چ ۴. تهران: آواری نور.
۱۴. سمسار، محمدحسن. ۱۳۴۳. «اهمیت اسب و تزئینات آن در ایران باستان». هنر و مردم، ش. ۲۰: ۳۲-۴۱.
۱۵. سیدصدر، ابوالقاسم. ۱۳۸۶. دایرة المعارف هنرهای صنایع دستی و حرف مربوط به آن. چ ۱. تهران: سیمای دانش.
۱۶. طالبپور، فریده، و ماندانا پرهام. ۱۳۸۸. «جایگاه اسب در هنر ایران باستان»، جلوه هنر، ش. ۱: ۵-۱۲.
۱۷. طبری، محمد بن جریر. ۱۳۸۹. تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: الکترونیک <http://bertrandrassell.mihanblog.com>
۱۸. قائمی، فرزاد، و محمدجعفر یاحقی. ۱۳۸۸. «اسب پرکاربردترین نمادینه جانوری در شاهنامه و نقش آن در تکامل کهن الگوی قهرمان». فصلنامه زبان و ادبیات پارسی، ش. ۴۲: ۲۶-۹.
۱۹. کریستین سن، آرتور. ۱۳۵۵. ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. چ ۱. تهران: وزارت فرهنگ و هنر سال
۲۰. کیانی، منوچهر. ۱۳۸۸. سیه چادرها تحقیقی از زندگی مردم ایل قشقایی. چ ۴. شیراز: کیان نشر.
۲۱. گریوانی، نفیسه، و محمدتقی آشوری. ۱۳۸۶. شیوه های تولید در فرش بافی قشقایی. گلجام، ش. ۶ و ۷: ۱۲۵-۱۴۲.
۲۲. گزنفون. ۱۳۴۲. کوروش نامه. ترجمه رضا مشایخی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۳. گلاک، جی. ۱۹۷۷. سیری در صنایع دستی ایران. تهران: انتشارات بانک ملی ایران.
۲۴. گیرشمن، رمان. ۱۳۴۶. هنر ایران در دوره ماد و هخامنشی. ترجمه عیسی بهنام. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۵. مهدوی حاجیلویی، مسعود، پژمان رضایی، و مجتبی قدیری معصوم. ۱۳۸۶. روستاهای برآمده از اسکان عشایر و چالش های آن. روستا و توسعه ۱۰ (۱): ۴۱-۶۱.
۲۶. هوگلاند، اریک ج. ۱۳۸۱. زمین و انقلاب در ایران ۱۳۶۰-۱۳۴۰. ترجمه فیروزه مهاجر. تهران: شیرازه.